پیشخوان

نظری و گذری بر خاطرات پراکنده مورخ‌الدوله سپهر

آنچه سیاستمدارِ مورخ روایت کرده است

محمدرضا کائینی

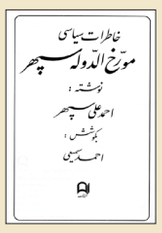

اثر تاریخی-روایی خاطرات مورخ‌الدوله سپهر که به بازگویی خاطرات این سیاستمدار تاریخ پیشه معاصر اختصاص دارد، سالیانی قبل به همت جناب احمد سمیعی گیلانی به زیور طبع آراسته شده است.

گردآورنده اثر در باره پیشینه آن چنین می‌نویسد: «پس از انتشار مقالات سیاسی مرحوم مورخ‌الدوله سپهر در سال ۱۳۴۴ از رئیس وقت دانشگاه ملی ایران، پروفسور عباس صفویان درخواست شد آخرین نوشته ایشان را در دانشگاه زیر عنوان «ایران در جنگ دوم جهانی» چاپ و منتشر کند و این درخواست انجام شد، ولی قبل از پایان چاپ کتاب، آن زنده‌یاد چهره در نقاب خاک کشید. به همین مناسبت مقدمه آن کتاب هم به این شرح آماده و چاپ شد: احمدعلی سپهر (مورخ‌الدوله) یکی از سیاستمداران آزاداندیش ایران بود که طی سال‌های عمر خود با نیکنامی زیست و به هنگام مرگ هم از مال و منال دنیا بهره‌ای نداشت و بهترین مؤید این نظر هم متن وصیت‌نامه آن مرد بزرگ است. مورخ‌الدوله طی سال‌های زندگانی سیاسی و اجتماعی خود در مشاغل گوناگون خدمات شایسته‌ای انجام داد. در کابینه مرحوم قوام‌السلطنه (سال ۱۳۲۴) به وزارت پیشه و هنر منصوب شد. آن شادروان در ادب و هنر هم چیره‌دست و ماهر بود و آثاری که از وی به‌جا مانده هر یک به نوبه خود دارای ارزش‌های غیرقابل انکار است. کتاب «ایران در جنگ بزرگ» که در سال ۱۳۳۶ش. به چاپ رسید یکی از منابع تاریخ معاصر ایران است و به همین مناسبت هم موفق به دریافت جایزه بهترین کتاب تاریخی سال شد».

سمیعی در ادامه به شرح حال سپهر نیز پرداخته و در این باره آورده است: «مرحوم مورخ‌الدوله در ادب عرب و فرانسه هم دستی چیره و بیانی رسا داشت

احمدعلی سپهر معروف به مورخ‌الدوله سپهر (نفر سمت چپ)

و ترجمه کلمات قصار حضرت علی بن ابیطالب(ع) که در سال ۱۳۱۲ش. مبادرت به نشر آن کرد، یکی از بهترین نمونه‌های نثر فارسی و فرانسه است، همچنین کتاب شعرای ایران به زبان فرانسه که یکی دیگر از آثار آن زنده‌نام است. کتاب حاضر که اکنون تقدیم اهل دانش می‌شود مجموعه‌ای است از خاطرات منتشرشده در سال ۱۳۴۱ به انضمام مقالاتی دیگر از آن مرحوم که امید است مورد قبول طالبان مطالب سیاسی و تاریخی قرار گیرد. در این مجموعه کوشش نگارنده این بوده است که مطالبی انتخاب و منتشر شوند که حاوی مباحثی از تاریخ معاصر ایران باشد. ضمناً تذکر این نکته را ضروری می‌دانم که در بعضی از صفحات پی‌نوشت‌هایی که آمده توسط نگارنده فراهم شده است تا به این وسیله روشنگری بیشتری درباره مسائل مطرح شده باشد. به لحاظ آن که خوانندگان این مجموعه با اندیشه‌های این مرد دانش‌پژوه و آزاده بیشتر آشنا شوند متن وصیت‌نامه باقی مانده از آن مرحوم را هم زینت‌بخش این کتاب می‌کند. بخش‌هایی از وصیت‌نامه آن مرحوم به شرح ذیل است:

۱- پس از آن که روح به جانب حضرت رب‌الارباب پرواز کرد این بدن خاکی را در خارج از خاک معطل نکنند و در مراسم دفن سرعت به عمل آید و با نهایت سادگی انجام پذیرد، یعنی با سطح زمین مساوی باشد و برای قبر خود محلی را تعیین نمی‌کنم. مهم آن است که رعایت بساطت شود.

۲- همان گونه که در ایام زندگانی با تظاهر و ایجاد مزاحمت برای مردم مخالف بوده‌ام با اقامه مجالس ترحیم برای خود در مساجد و کشاندن مردمی که معمولاً گرفتاری و کارهایی دارند موافق نیستم، فقط خانم (همسرم) چنانچه بخواهند می‌توانند مجلس ترحیم زنانه‌ای داشته باشند.

۳- از مایملک دنیوی املاک ضیاع و عقاری هیچ ندارم، فقط مبلغی که حسابش در اوراقم موجود و معلوم است باقی است که پس از وضع مصارف تکفین و تدفین بین خانم و سه اولادم کما فرض‌الله تقسیم می‌شود و چون در یک ثلث ماترک خود حق دارم به هر کس بخواهم بدهم، فقط ثلث آن را برای خانم خود خانم افسرالدوله قرار دادم که علاوه بر سهم‌الارث دریافت خواهند داشت.

۴- از بازماندگان خود می‌خواهم روش مرا در دوستی با مردم فراموش نکنند و از طلب رحمت برای من غفلت نورزند. والله سمیع العلیم.»

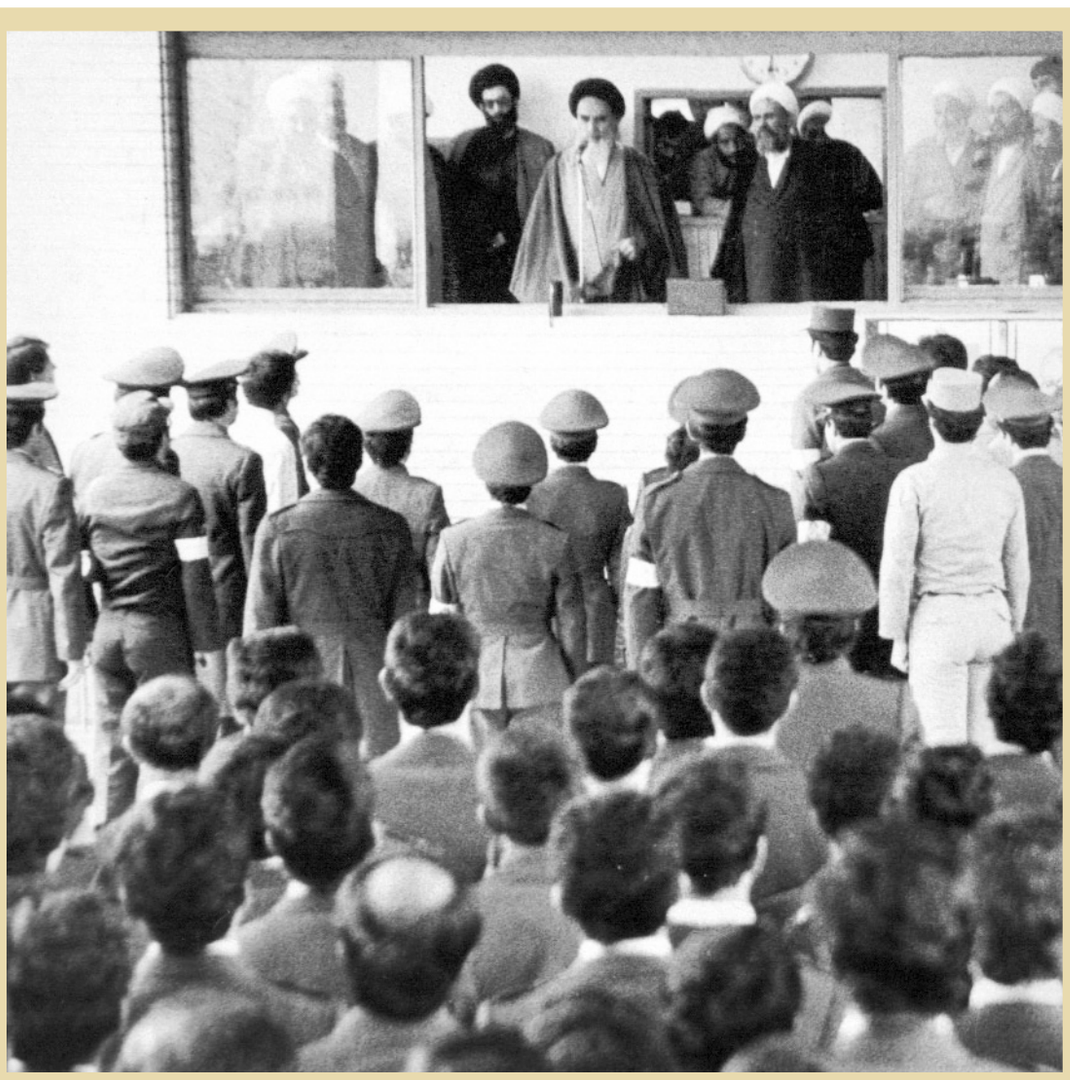

۱۹ بهمن ۱۳۵۷. مدرسه علوی تهران، امام خمینی در حال سخنرانی برای جمعی از پرسنل نیروی هوایی ارتش

وقایع روزهای هفدهم تا بیستم بهمن ۱۳۵۷ در تاریخ انقلاب

ما می‌خواهیم شما و ملت مستقل باشید

احمدرضا صدری

آنچه پیش رو دارید مروری است بر وقایع روزهای سرنوشت‌ساز انقلاب در روزهای هفدهم، هجدهم، نوزدهم و بیستم بهمن ۱۳۵۷. امید می‌بریم انتشار این روزشمار، در آشنایی بیشتر مخاطبان به ویژه جوانان با وقایع آن روزهای تاریخی مفید و مقبول آید.

■■■

هفدهم بهمن ۱۳۵۷

انقلاب از میان پیچ و خم‌های روزگار راه خود را می‌جست و پیش می‌رفت. انتخاب نخست‌وزیر گام دیگری بود به سوی پیروزی. جامعه روحانیت مبارز تهران اعلام کرد برای تأیید مهندس بازرگان نخست‌وزیر دولت موقت که به پیشنهاد شورای انقلاب اسلامی و تأیید امام خمینی انتخاب شده است، پس‌فردا راهپیمایی عمومی انجام می‌گیرد. از کلیه کسانی که نخست‌وزیری مهندس بازرگان را تأیید می‌کردند، دعوت به عمل آمده بود.

امام خمینی در ادامه ملاقاتشان با گروه‌های مختلف مردم در مدرسه علوی خطاب به روحانیونی که به دیدارشان آمده بودند، اظهار کردند: «هر کس اسلام را مطالعه کرده باشد، قرآن را مطالعه کرده باشد کافی است که بداند اسلام یک جامعه را از هر نظر تربیت می‌کند و فرق بین اسلام و سایر قوانینی که در دنیاست (به غیر از قوانین الهی که اکنون منسوخ شده است، چون آنها هم در اصل مانند اسلام هستند)، فرق بین قوانین الهی و قوانین ساخت بشر این است که قوانین بشری جنبه‌های ضعیفی را در نظر گرفته است. مثلاً قوانینی که برای حفظ نظم به وجود آمده، برای کیفیت سیاسی دنیوی است و ابعاد دیگر بشر مورد توجه قوانین بشری نیست، در صورتی که اسلام به حسب ابعاد انسانیت طرح و قانون دارد.»[۱]

تهران یکپارچه تظاهرات و راهپیمایی بود. گروه‌های مختلف در حالی که با شعارهای متعدد دولت موقت بازرگان را تأیید می‌کردند، به طرف محل اقامت امام خمینی حرکت کردند و وفاداری و تأیید خود را نسبت به دولت موقت بازرگان اعلام کردند. از سوی دیگر در تظاهراتی که اطراف کاخ دادگستری در حمایت از هامفران در بند انجام گرفت، در اثر ازدحام بیش از حد مردم مأموران فرمانداری نظامی مستقر در مقابل کاخ برای پراکنده ساختن مردم به تیراندازی هوایی و پرتاب گاز اشک‌آور اقدام کردند. درباره هامفران در بند، آیت‌الله خلخالی از جانب امام خمینی اعلام کرد اجازه نمی‌دهیم یک نفر از هامفران آسیب ببینند.

همچنین چند تن از افراد کادر نیروی هوایی که از زندان آزاد شده بودند، در کانون وکلا به میان خانواده‌های متحصن رفتند و به آنها گفتند تیمسار ربیعی به آنها گفته ۱۲ افسری را که در خاش زندانی هستند به این دلیل آزاد نکرده‌ایم که قصد داریم به آنها گوشمالی پدرانه‌ای بدهیم. من که یک فرمانده‌ام به خودم اجازه این کار را نمی‌دهم که در امور سیاست دخالت کنم. پس شما هم نباید کاری به سیاست روز داشته باشید. آیت‌الله طالقانی در جمع خبرنگاران داخلی و خارجی اعلام کرد: «ما رهبران اسلامی داعیه حکومت نداریم.»[۲]

رادیو مسکو در گفتاری درباره مسائل ایران و توطئه سیا و ساواک برای از بین بردن رهبران مذهبی و سیاسی گفت: «این سازمان‌ها مقدماتی را برای کشتن معروف‌ترین شخصیت‌های اپوزیسیون فراهم می‌سازند.»[۳] شاه در مصاحبه‌ای تأکید کرد همچنان شهریار حاکم و فرمانده ارتش ایران است. وی که با خبرنگار روزنامه دیلی‌میل صحبت می‌کرد، گفت: «اگر ما دستمان را دراز کنیم، گفت و شنود را بپذیریم- خواه چپ باشد یا راست- همه چیز ممکن خواهد بود و آنچه من از سال ۱۹۴۱ تاکنون کرده‌ام بر باد نخواهد رفت.»[۴]

بختیار نیز در سخنرانی خود در مجلس شورای ملی گفت: «ملت ایران و کشور ایران یک واحد غیر قابل تجزیه است، یک مملکت، یک حکومت و یک قانون اساسی و لا غیر. از اینکه هر روز یک نفر حکومتی تشکیل دهد، تا زمانی که شوخی و حرف است تحمل می‌کنیم، ولی اگر وارد عمل شود، عمل را با عمل جواب می‌دهیم.»[۵]

هجدهم بهمن ۱۳۵۷

هجدهمین روز بهمن آبستن رویدادهای گوناگون بود. کشمکش میان انقلابیون و ضدانقلابیون افزایش یافته بود. هر چند بُرد انقلابیون روز به روز بیشتر می‌شد، اما مخالفان تمامی راه‌ها را برای جلوگیری از حرکت انقلاب می‌آزمودند. امام خمینی در سخنان مشروحی خطاب به ۳۰۰ تن از قضات و مقامات دادگستری که به دیدار ایشان رفته بودند، از آنها خواست برای بازگرداندن و محاکمه شاه اقدام قضایی را آغاز کنند و در صورتی که برگرداندن شاه ممکن نباشد، وی را غیاباً محاکمه و اموالش را مصادره کنند[۶] امام خمینی به خرابی‌های ۳۷ سال گذشته و لزوم محاکمه و ضبط اموال مسببان اشاره کردند و گفتند: «باید همه با هم یکی دو نسل کار کنیم تا مملکت به وضع عادی خودش برگردد.»[۷]

همچنین امام خمینی در ضمن سخنرانی تلویزیونی- که به‌طور مستقیم از شبکه تلویزیونی کارکنان اعتصابی رادیو تلویزیون پخش شد- گفتند: «دستگاه‌هایی در این مملکت بوده‌اند و هستند که باید در خدمت مردم می‌بودند، ولی رژیم غاصب و فاسد در گذشته از آنها در راه هدف‌های نامشروع خود و گسترش فساد استفاده کرده است.»[۸]

این سخنرانی از طریق سیستم مدار بسته به شعاع پنج کیلومتر برای کسانی که در اطراف محل اقامت امام سکونت داشتند به‌طور مستقیم پخش شد.

مهندس بازرگان برای آنکه بتواند دولت خودش را رسمیت دهد، تلاش‌هایی را از طریق صدها دیپلمات و مأمور سیاسی اعتصابی و با استفاده از حمایت کارکنان وزارت خارجه آغاز کرد.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی اعلام کرد: «روز پنج‌شنبه ۱۹ بهمن- فردا- که از طرف روحانیت تهران دعوت به راهپیمایی شده است، حضرت آیت‌الله خمینی برنامه ملاقات ندارند تا مردم شریف و مسلمان تهران بتوانند در راهپیمایی شرکت کنند.»[۹]

مراسم فارغ‌التحصیلی ستاد مشترک دانشگاه پدافند ملی با حضور ارتشبد قره‌باغی، رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران برگزار شد. در این مراسم قره‌باغی طی سخنانی اعلام کرد که سه اصل عمده ارتش عبارت است از: «عدم دخالت ارتش در امور سیاسی، حفظ استقلال و تمامیت مملکت و حفظ وحدت و یکپارچگی ارتش.»

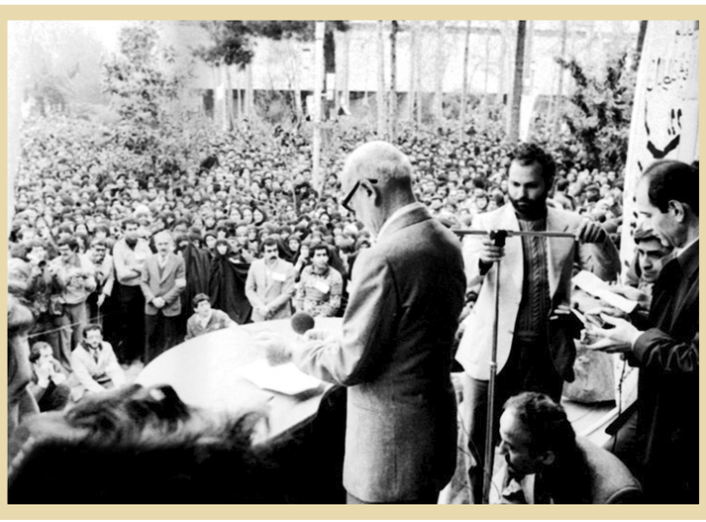

۱۹ بهمن ۱۳۵۷. مهندس مهدی بازرگان در اولین سخنرانی خود در دانشگاه تهران

کارکنان ۱۱ وزارتخانه و بسیاری از مؤسسات دولتی حمایت خود را از مهندس بازرگان، نخست‌وزیر موقت، اعلام کردند. حمایت از بازرگان همزمان با اعلام این خبر که او جمعه (فردا) برنامه‌های دولت خود را در دانشگاه تهران رسماً اعلام خواهد کرد، از سوی کارکنان وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی افزایش یافت

با وجود آنکه روز قبل اعلام شده بود امام خمینی به علت راهپیمایی روز ۱۹ بهمن ملاقات‌های خود را لغو کرده‌اند اما هزاران تن از نیروهای مسلح به ملاقات امام رفتند و در خیابان ایران در محل اقامتگاه امام به طرفداری از ایشان و بازرگان رژه رفتند. در این مراسم همه نیروها و همچنین همافران شرکت داشتند مراسم ابراز وفاداری به صورت رژه انجام گرفت و اصلاً شعاری داده نشد

آیت‌الله طالقانی درباره تهدید به قتل‌هایی که شایع شده بود در اطلاعیه‌ای گفتند: «از این فرم نامه‌های تهدیدآمیز این روزها برای خیلی از مردم پست می‌شود... اگر بنا باشد مردم انتقام بگیرند، اول باید تکلیف یکی، دو هزار جنایتکاری را که آمر و عامل جنایت وحشتناک این سال‌ها بوده‌اند معلوم کنند.»

جمعی از طرفداران بختیار با تجمع در سالن ورزشی امجدیه تهران ضمن ابراز طرفداری از بختیار قطعنامه‌ای را صادر کردند که در آن بر وفاداری‌شان به قانون اساسی تأکید شده بود. محسن پزشک‌پور نماینده گروه اقلیت اظهار کرد که طرح نمایندگان اقلیت برای ساقط کردن یکطرفه دولت بختیار مورد توجه و قبول اکثریت قرار نگرفت و نمایندگان اکثریت این طرح را رد کردند. امان‌الله رادمهر، معاون وزیر مشاور بختیار، استعفای خود را تسلیم بازرگان کرد. این عمل ضربه دیگری بر پیکره دولت بختیار وارد ساخت. بختیار نیز برای زیر فشار قرار دادن کارکنان اعتصابی به وزرای کابینه خود دستور داد تنها به کارکنانی حقوق پرداخت شود که کار کرده باشند.

فرمانداری نظامی تهران ساعات منع رفت و آمد را کاهش داد. این در حالی بود که مردم تهران مدت‌ها بود قوانین حکومت نظامی را نادیده گرفته بودند.

نوزدهم بهمن ۱۳۵۷

در پاسخ به دعوت جامعه روحانیت مبارز و در حمایت از دولت بازرگان یک بار دیگر خیابان‌ها مملو از جمعیت شد. در هر یک از شهرهای تبریز، مشهد و تهران بیش از یک میلیون نفر در راهپیمایی شرکت کردند. شعار اصلی راهپیمایی «درود بر خمینی، سلام بر بازرگان» بود. در پایان راهپیمایی تهران قطعنامه‌ای خوانده شد که در آن فرار شاه و بازگشت امام به میهن به منزله گام‌های اولیه انقلاب دانسته شد. همچنین در این قطعنامه آمده بود: «ما تصمیم رهبر انقلاب را در مورد انتخاب جناب آقای مهندس بازرگان برای ریاست دولت موقت صمیمانه تأیید می‌کنیم.» در بخش دیگری از قطعنامه به رئیس و اعضای دولت غیرقانونی اخطار شد که بیش از پیش در برابر ملت قرار نگیرند.

با وجود آنکه روز قبل اعلام شده بود امام خمینی به علت راهپیمایی روز ۱۹ بهمن ملاقات‌های خود را لغو کرده‌اند اما هزاران تن از نیروهای مسلح به ملاقات امام رفتند و در خیابان ایران در محل اقامتگاه امام به طرفداری از ایشان و بازرگان رژه رفتند. در این مراسم همه نیروها و همچنین همافران شرکت داشتند مراسم ابراز وفاداری به صورت رژه انجام گرفت و اصلاً شعاری داده نشد. امام خمینی پس از رژه خطاب به ارتشیان گفتند: «ما می‌خواهیم ارتش آزاد باشد. اسرائیل او را تصرف نکند. درود بر شما که قدر نعمت خدا را دانستید و به دامن قرآن پیوستید. من امیدوارم سایر اشخاصی که در آن خدمت هستند، آنها هم وظیفه خودشان را بفهمند و به ملت بپیوندند. ما صلاح شما را می‌خواهیم، ما می‌خواهیم شما آزاد باشید. ما می‌خواهیم شما ملت را مستقل کنید....»[۱۰]

همچنین کارکنان ۱۱ وزارتخانه و بسیاری از مؤسسات دولتی حمایت خود را از مهندس بازرگان، نخست‌وزیر موقت، اعلام کردند. حمایت از بازرگان همزمان با اعلام این خبر که او جمعه (فردا) برنامه‌های دولت خود را در دانشگاه تهران رسماً اعلام خواهد کرد، از سوی کارکنان وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی افزایش یافت. ۱۱ وزارتخانه‌ای که کارمندان و کارکنان آن از مهندس بازرگان حمایت کردند عبارت بودند از: وزارت امور اقتصاد و دارایی، بازرگانی، کشاورزی، کشور، دادگستری، بهداری، مسکن و شهرسازی، نیرو، اطلاعات و جهانگردی، سازمان برنامه، پست و تلگراف و تلفن. همچنین سازمان‌های دولتی گمرک ایران، بازرگانی دولتی ایران، هواپیمایی ملی، هواپیمایی کشوری، کشتیرانی ملی آریا، کارکنان متروی تهران و همچنین دانشجویان و استادان دانشکده هنرهای تزیینی دانشگاه تبریز و دانشکده علم و صنعت نیز اعلام حمایت کردند.

بختیار در مصاحبه‌ای گفت در مقابل هیتلر، رضاشاه و شاه ایستادگی کرده است، در مقابل آیت‌الله خمینی و بازرگان نیز مقاومت خواهد کرد. وی گفت: دولتی را که بازرگان در صدد تشکیل آن است به رسمیت نمی‌شناسد. او اضافه کرد: اگر ملت ایران برای به دست آوردن آزادی و دموکراسی به تشکیل حزب‌ها و سندیکاهای قانونی مبادرت کند و از این راه حتی خواهان تغییر رژیم هم باشد، او تسلیم این خواست‌ها خواهد شد. بختیار گفت: رأی ملت هر چه باشد اگر در انتخاباتی آزاد و واقعی مطرح شود، مورد تأیید اوست و او تسلیم خواهد شد.

بختیار گفت مخالفان او فاقد برنامه هستند و فقط شعار می‌دهند... و اگر هم برنامه داشته باشند، برنامه کوچک و عتیقه و قرون وسطایی است. بختیار گفت حاضر به قبول هر نوع همکاری و ائتلاف با بازرگان است. وی گفت: «نتایج رفراندوم مخالفان را- اگر در آرامش برگزار شود- قبول خواهم کرد.»[۱۱]

با انتشار عکس ملاقات جمعی از افسران ارتش با امام در صفحه اول کیهان، ارتش در اعلامیه‌ای اظهار کرد: «در صفحه یکم روزنامه کیهان، مورخ پنج‌شنبه ۱۹ بهمن سال ۱۳۵۷، عکس بزرگ مونتاژ شده و غیرواقعی بودن آن برای هر کسی که به اصول اولیه عکاسی و مونتاژ آشنایی داشته و مقاصد شوم تفرقه‌اندازان و آنهایی که می‌خواهند در صفوف به هم پیوسته و مستحکم ارتش رخنه کنند و از این راه به آرمان و آرزوهای خود برسند، کاملاً آشکار است. ستاد بزرگ ارتشتاران با جلب توجه هم‌میهنان عزیز به این گونه اعمال ناجوانمردانه، دست‌اندرکاران را به اتهام جعل و نشر اکاذیب به منظور تحریک و اهانت به مقام ارتش که مبرا از دخالت در امور سیاسی است، برابر مقررات قانون و کیفر ارتش تحت تعقیب قرار خواهد داد.»[۱۲]

بیستم بهمن ۱۳۵۷

«امام خمینی، شخصاً عکس اختصاصی کیهان مربوط به رژه نظامیان را از برابر ایشان تأیید کردند.»[۱۳] دکتر مفتح پس از انتشار اعلامیه ستاد ارتش درباره غیرواقعی بودن این عکس موضوع را با امام خمینی در میان گذاشتند و ایشان گفتند: «عکس کاملاً صحیح است.»[۱۴]

مهندس مهدی بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت، در اولین سخنرانی مردمی‌اش- که در دانشگاه برگزار شد- در برابر هزاران نفر اظهار کرد: «دانشگاه چنین افتخار و حق بزرگی دارد که هیچ‌گاه بعد از ۲۸ مرداد ساکت و آرام نبوده است. در آن دوران‌های اختناق بعد از ۲۸ مرداد و بعد از جبهه ملی در اختناق شدیدی که بر سراسر ایران حکمفرما بود، تنها مکانی [بود] که در آن اجتماع و اعتراض علی‌رغم مزاحمت زندان، شکنجه و محروم شدن از درس و محروم شدن ابدی از شغل و زندگی تعطیل نشد و هر چند ماه- اگر نگوییم هر چند هفته- فریاد «مرگ بر شاه» بلند می‌شد. دانشگاه چشم و چراغ ایران بود.»[۱۵]

بازرگان در ادامه سخنرانی درباره مأموریت نخست‌وزیری خود چنین گفت: «...مبالغه نیست و یقیناً قبول دارید [که این مأموریت] سنگین‌ترین بار، پرمخاطره‌ترین، دشوارترین و مشکل‌ترین مأموریتی است که در عمر ۷۱ ساله مشروطیت ایران به نخست‌وزیران و نامزدهای دیگر داده شده است... مملکت در ظرف پنجاه و چند سال سلطنت پهلوی به غارت، فساد و تباهی کشیده شده است....»[۱۶]

وی در بخشی دیگر به وجود مشکلات بسیار بر سر راه مملکت اشاره کرد و گفت: «انتظار اینکه مملکت یک شبه ره صد ساله را بپیماید، خواسته‌ها فوراً و به‌طور کامل و صد در صد تأمین شوند، همه بدها بلافاصله بدون رسیدگی و محاکمه مجازات و بلکه اعدام شوند... از حالا باید عرض کنم که از این بنده حقیر سراپا تقصیر انتظار «علی» بودن نداشته باشید. علی نیستم که همان شب اول بگویم «معاویه»، از جایت بلند شو.» حتی انتظار عمل کردن مثل رهبر و مرجع عالیقدری که بنده را مأمور و مفتخر به این خدمت کرده‌اند و با عزم راسخ و ایمان... پیش رفته است و می‌رود، این انتظار را هم از بنده نداشته باشید. بنده ماشین سواری نازک نارنجی هستم که باید روی جاده‌های آسفالت و راه هموار حرکت کنم و شما هم باید این راه را برایم هموار کنید.»[۱۷]

امام خمینی در پیامی به مناسبت راهپیمایی عظیم پنج‌شنبه از ملت ایران تشکر کردند. در این پیام آمده بود: «...این اجتماع عظیم که در ایران از مرکز گرفته تا همه شهرستان‌ها و قصبات، برای پشتیبانی از این دولت بوده، کافی است برای جواب آنهایی که می‌گویند باید ملت بگوید. ملت به چه زبانی بگوید؟ ملت فریاد می‌زند، ملت چندین وقت است، چندین سال است که فریاد می‌زند....»[۱۸]

بختیار در مصاحبه‌ای با روزنامه لوموند گفت اگر وزرای انتخابی دولت بازرگان برای ورود به وزارتخانه‌ها تلاش کنند آنها را دستگیر خواهد کرد. وی درباره حقوق اعتصابیون گفت: «از حالا به بعد فقط آنهایی که کار کنند حقوق خواهند گرفت.»[۱۹] بختیار در این مصاحبه ادعا کرد: «آیت‌الله خمینی بیش از شاه به ایران صدمه زده است.»[۲۰]

طرفداران قانون اساسی شاهنشاهی در استادیوم امجدیه اجتماع کردند و دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات با درگیری مخالفان همراه شد و چند نفر نیز مجروح شدند.

در حمله ناگهانی صبحگاه مأموران نظامی شهر گرگان به جوانانی که محافظت از شهر را به عهده داشتند، شش نفر کشته و دو نفر زخمی شدند و در پی آن، درگیری و تیراندازی در شهر آغاز شد که شش ساعت طول کشید.

در ساعت ۹ همزمان با آغاز منع رفت و آمد شبانه تلویزیون اقدام به پخش تصاویری از امام و ورود ایشان به ایران کرد. پخش این تصاویر جرقه‌ای بود که در پی آن چند روز پیاپی تهران را صحنه جنگ و گریز خیابانی کرد. پخش این تصاویر باعث برانگیخته شدن احساسات همافران در پادگان نیروی هوایی واقع در تهران‌نو شد. همافران طرفداران انقلاب در حالی که با مشاهده تصاویر امام صلوات می‌فرستادند، ابراز احساسات کردند که با واکنش گروهی دیگر از همافران و افسران مواجه شدند. این درگیری به ظاهر ساده به‌سرعت گسترش یافت و با ورود ارتش گارد شاهنشاهی به پادگان درگیری تبدیل به جنگی خونین میان همافران طرفدار امام و ارتش گارد شاهنشاهی شد.

پی‌نوشت‌ها در سرویس تاریخ جوان موجود است.